



# سفینه ترمذ

محمد بن یغمور

تصحیح

امید سروری

با همکاری سید باقر ابطحی

سفینهٔ ترمذ  
محمد بن یغمور



تصحیح

امید سروری  
با همکاری سیدباقر ابطحی



مجموعه انتشارات  
ادبی و تاریخی  
موقوفات دکتر محمود افشار

[۵۰]

گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری



هیأت گزینش کتاب و جوایز

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق  
دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات - دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبابی  
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



**سفینه ترمذ**  
**محمدبن یغمور**



تصحیح امید سروری با همکاری سیدباقر ابطحی

گرافیسیت، طراح و اجرای جلد کاوه حسن بیگلر

لیتوگرافی کوثر  
چاپ متن و جلد دایره سفید  
صحافی حقیقت  
تیراژ ۱۱۰۰ نسخه  
چاپ اول بهار ۱۳۹۶

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتراز چهارراه پارک وی، خیابان عارف نسب

تلفن: ۲۲۷۱۳۹۳۶ دورنما: ۲۲۷۱۳۹۳۶

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	هفده
مقدمه مصحح.....	نوزده
شرح احوال مدون.....	نوزده
آثار.....	بیست
سفینهٔ ترمذ.....	بیست
۱. سبب تألیف.....	بیست
۲. محتوا و مضمون.....	بیست و یک
۲. ۱. شاعران این سفینه.....	بیست و یک
۲. ۱. ۱. شاعران مشهور.....	بیست و یک
۲. ۱. ۲. شاعران کمتر شناخته شده و ناشناخته.....	بیست و سه
۲. ۲. نحوهٔ چینش و دسته بندی مضامین و مطالب.....	چهل و یک
۲. ۲. ۱. بر اساس محتوی و انواع ادبی.....	چهل و دو
۲. ۲. ۲. بر اساس قالب.....	چهل و سه
۲. ۲. ۳. بر اساس صنایع ادبی.....	چهل و پنج

.....	۳. ۲. نوشته‌های محمد بن یغمور	.....	چهل و هفت
.....	۳. معرفی نسخه	.....	چهل و هشت
.....	۳. ۱. ویژگی‌های رسم الخطی و زبانی	.....	پنجاه
.....	۳. ۲. میزان اعتبار	.....	پنجاه و سه
.....	شیوه تصحیح	.....	پنجاه و سه
.....	تصاویر	.....	پنجاه و پنج

## سفینه ترمذ

.....	دیباچه	.....	۱
.....	قسم اول در توحید باری و موعظت و نصیحت و تنبیها	.....	۹
.....	القسم الثانی فی القصاید المختار	.....	۴۵
.....	قسم سئوم در قصاید مصنوعه متفرقه	.....	۲۱۹
.....	القسم الرابع فی الهجا و المطایبه	.....	۲۶۳
.....	القسم الخامس فی المقطعات و هی عشره اقسام	.....	۲۸۷
.....	القسم السادس فی الغزلیات	.....	۳۵۳
.....	القسم السابع فی الرباعیات المتفرقه و هی ثمانیه ابواب	.....	۴۶۹
.....	نمایه عام	.....	۵۰۱
.....	فهرست منابع	.....	۵۱۳

### پیشگفتار

نخستین کسی که از وجود تنها نسخهٔ سفینهٔ ترمذ در کتابخانهٔ مدراس هند باخبر شد، شادروان سعید نفیسی بود که موفق شده بود در طی سفری که به هند داشته، تمامی و یا برخی از صفحات این نسخه را کپی بگیرد و با خود به ایران آورد. وی از این صفحات برای تکمیل جلد سوم تاریخ بیهقی بهره گرفته و چون این تصاویر کیفیت خوبی نداشته، در مواردی دچار اشتباه و بدخوانی شده است.

بعد از نفیسی کسانی که به تصویر برخی از صفحات این متن دسترسی پیدا کردند امیرحسن عابدی و سید حسن عباس بودند که یافته‌های خود را با اغلاط، نواقص و اشتباهات فراوانی در مقاله‌ای تحت عنوان «بیاض ترمذ»، در «گفتارهایی پژوهشی در زمینهٔ ادبیات فارسی»<sup>۱</sup> به چاپ رساندند. اما گزارش مغلوط و ناقصی که آنها، در آثار خود ارائه کرده بودند همواره این حسرت را برای اهل فرهنگ و ادب در پی داشت که ای کاش، از این اثر، تصویری در دست بود و ای کاش، این متن تصحیح می‌شد و به چاپ می‌رسید.

برای سالیان متمادی هرچه پژوهشگران به دنبال این متن به سراغ متصدیان کتابخانهٔ مدراس رفتند با در بسته، روی عبوس و وعده‌های نافرجام مواجه شدند و کسی نتوانست تصویری از آن به دست بیاورد. مدتها گذشت تا اینکه جناب آقای سید باقر ابطحی در دوران خدمت خود در هند، بالاخره موفق شدند تصاویر سیاه و سفیدی از این متن به صورت کپی بر روی کاغذ به دست

۱. چاپ شده در انتشارات بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی، ۱۳۷۷ و نیز همایی‌نامه، صص ۲۲۹-۲۴۶.

بیاورند. ایشان مدتها در صدد تصحیح این اثر بودند ولی بر اثر گذشت زمان و حوادث متعدّد، تصاویر این متن را به همراه خود به ایران آوردند و کار معطل ماند. بنده با ایشان از طریق دوست عزیزم آقای جواد بشری، آشنا شدم و ایشان با سماحت طبع تصاویر این نسخه را که با خون دل به دست آورده بودند، در اختیار اینجانب قرار دادند تا تصحیح این متن به نتیجه برسد. پس از گذشت تقریباً سه سال، متن با دشواری‌های و ناخوانی‌های فراوان، حروف چینی و به طور ناقص تصحیح شد ولی این ناخوانی‌ها و افتادگی‌ها مانعی بزرگ برای چاپ آن بود. خوشبختانه در همین زمان مقاله فرهیخته گرامی، خانم آنا لیوا بلارت را در نامه بهارستان دیدم و پس از تماس با ایشان فهمیدم که در کمال ناباوری توانسته‌اند تصویر تمامی صفحات این نسخه را به صورت رنگی با پرداخت هزینه‌ای گزاف تهیه کنند. این عزیز ایران‌دوست، تمامی تصاویر را با ملاحظاتی در اختیار بنده قرار دادند و تقریباً مشکلات و ناخوانی‌های متن حل شد و تصحیح این متن پس از چند سال به پایان رسید.

در پایان لازم است از زحمات و الطاف این دوستان و بزرگواران که هر یک به نوعی مرا در روند تصحیح و چاپ این متن یاری کردند تشکر و قدردانی کنم.

از آقای سید باقر ابطحی و خانم آنا لیوا بلارت که تصاویر این مجموعه را در اختیار اینجانب قرار دادند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

از آقایان بهروز ایمانی و جواد بشری که تصحیح این متن را به بنده پیشنهاد و واگذار کردند و اهمیت آن را به من متذکر شدند، سپاسگزارم.

قدردان دوستان عزیز آقایان بهروز ایمانی، عبدالرضا موسوی، سید محمد طباطبایی (منصور)، محمد افشین‌وفایی هستم که در خوانش برخی از مشکلات این متن به بنده یاری رساندند.

و در آخر از آقایان محمد افشین‌وفایی و مهدی رحیم‌پور، و همچنین بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی و آقای علی اصغر علمی، مدیر انتشارات سخن که در به چاپ رساندن این متن تلاش فراوانی کردند و مرا یاری دادند، سپاسگزاری و قدردانی می‌کنم.

امیدوارم محتوای این اثر در تحقیقات و پژوهش‌های دوستانان فرهنگ و ادب مفید واقع شود و بتواند نقاط تاریکی از تاریخ ادبیات فارسی را روشن کند.

امید سُروری (گلپایگانی)



## مقدمه مصحح

### شرح احوال مدون

از محمد بن یغمور، گردآورنده و مدون این اثر هیچ اطلاعی در دست نیست. بر اساس سفینه ترمذ، وی در زمانی نامعلوم در هنگامی که دچار حوادث روزگار و نواب لیل و نهار بوده، قدم به شهر ترمذ گذاشته و به قول خودش: در چنین حال نه بر دستارچه خرسندی عقدی بود و نه در کیسه شکیبایی نقدی. نقش پریشانی بر پیشانی روشن گشته. و صورت حال به انواع اختلال مبین شده، احداث روزگار روزافزون و تغییر احوال از حد بیرون...<sup>۱</sup>

وی در این شهر تحت حمایت شخصی با القاب «زبده الحکما، خلاصة العلماء ... سید الاشراف ... یمین الأمرا، معین الدوله، شرف المهندسين، مجد الملة و الدین، شمس الاسلام و المسلمین، انیس الملوک و الخواقین» قرار می‌گیرد و به سفارش همو اثر خود را تدوین می‌کند.<sup>۲</sup> از این شخص اطلاعی در دست نیست، ولی گویا در ترمذ ریاست و یا حکومت داشته است.<sup>۳</sup>

---

۱. سفینه ترمذ، ص ۳. ۲. همان، ص ۴. ۳. در مونس الاحرار جاجرمی (ج ۲، ص ۱۰۶۵)، غزلی به مطلع «تا بر مهت ز غالیه سنبل نهاده‌اند/ صدگونه داغ بر جگر گل نهاده‌اند»، تحت عنوان «مجدالدین ترمذی فرماید»، آمده که شاید سراینده‌اش با این مجدالدین یکی باشد. وی در این غزل «ترمدی» تخلص کرده.

از آنجا که متأخرترین شعرایی که محمد بن یغمور شعرشان را در سفینه ترمذ گرد آورده، در محدوده زمانی سده ۸ق هستند و همچنین مشخصات تنها نسخه به جامانده این اثر و ویژگی‌هایی که در آن دیده می‌شود به سده ۸ق بسیار نزدیک است، می‌توان به این نتیجه رسید که محمد بن یغمور در سده ۸ق به تدوین این مجموعه پرداخته است.

## آثار

تنها اثری که تاکنون از محمد بن یغمور به دست آمده، مجموعه اشعاری است که خود تحت عنوان سفینه از آن نام برده است و بنا بر اینکه آن را در شهر ترمذ نوشته، عنوان سفینه ترمذ برای آن عنوانی مناسب به نظر می‌رسد.<sup>۱</sup>

## سفینه ترمذ

### ۱. سبب تألیف:

گفته شد که محمد بن یغمور این کتاب را به سفارش «مجدالدین» نامی در شهر ترمذ تدوین کرده است. وی سبب تألیف این کتاب را این گونه بیان می‌کند:

فی الجمله هر کجا کتابی نظم کرده‌اند کتابی اندوه برافتد و هر کجا سرادق اشعار برکشند نم باران ندم فرود نیاید. بنا بر ابتغای این کار، اشعار آبدار در این سفینه جمع کرده شد و از نظم روح افزای و ابیات دلگشای، مملو و موشح گردانیده آمد. زیرا که اهل کیاست و ارباب فراست و سعادت، سفینه را بر لالی ثمینه برگزیده‌اند و صد هزار ذرر آبدار به جهت اشعار که ابکار افکارند پاشیده، به جهت آنکه در حضر، محرم خلوتند و در سفر، ماده سلوت. در حالت زندگی مونس و یارند و بعد از وفات نام نیک نگه دار. اگر دست مجال به ثمار آمال رسنده است، بهترین جلیسند و اگر کیسه وقت از نقد مراد، تهی است، نیکوتر انیس.<sup>۲</sup>

۱. این عنوان به انتخاب مصحح است.

۲. سفینه ترمذ، ص ۳.

## ۲. محتوا و مضمون

## ۲. ۱. شاعران این سفینه

در ابتدای این دستنویس، فهرستی از شاعران مندرج در سفینه آمده که گویا این فهرست قبل از افتادگی و جابجایی اوراق تهیه شده، زیرا در آن نام شعرایی هست که شعرشان در سفینه وجود ندارد. البته این فهرست هم از آسیب روزگار در امان نمانده و برخی از نامها قابل خواندن نیستند.

با وجود این فهرست، در تحقیق پیش رو تنها شاعرانی که در متن سفینه ترمذ شعرشان وجود دارد، معرفی شده‌اند.

## ۲. ۱. ۱. شاعران مشهور

در سفینه ترمذ از این شاعران شناخته شده، این قوالب شعری وارد شده است:

ابوالعلای گنجوی: ۱ قصیده.	بابا افضل کاشانی، ۱ رباعی.
ابوسعید ابوالخیر: ۱ رباعی.	بدرالدین ابونصر محمود فراهی:
اتسز خوارزمشاه: ۲ قطعه و ۱ رباعی	۲ رباعی.
اثیرالدین اخسیکتی: ۳ قصیده، ۱ قطعه،	جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی، ۳ غزل.
۵ غزل.	حسن غزنوی (سید): ۱ قصیده، ۵ غزل،
ادیب صابر ترمذی: ۱ قصیده، ۱ قطعه.	۲ رباعی.
ازرقی هروی: ۱ قصیده.	خاقانی: ۷ قصیده، ۱۰ قطعه، ۱۱ غزل،
اشرفی سمرقندی: ۱ قطعه، ۱ رباعی.	۲ رباعی.
امیر معزی: ۲ قصیده، ۱ قطعه، ۵ غزل.	عمر خیام نیشابوری: ۷ رباعی.
انوری: ۷ قصیده، ۲۵ قطعه، ۵ غزل،	دقیقی طوسی: ۱ قطعه.
۲ رباعی.	رشید وطواط: ۳ قصیده، ۴ قطعه،
اوحد کرمانی: ۲ رباعی.	۵ غزل، ۱ رباعی.

رشیدی سمرقندی <sup>۱</sup> : ۱ قصیده.	عمادی غزنوی: ۱ قصیده، ۱ قطعه، ۵ غزل.
رضی‌الدین نیشابوری: ۱ قطعه.	عمید لویکی <sup>۳</sup> : ۴ غزل.
زین‌الدین قدسی <sup>۲</sup> : ۴ قطعه، ۱ رباعی.	عنصری: ۱ قطعه.
سراج‌الدین سگزی: ۱ قصیده	فخرالدین رازی: ۲ رباعی.
سراج‌الدین قمری: ۴ قصیده، ۳ قطعه، ۱۵ غزل، ۳ رباعی.	فرخی: ۱ قطعه.
سعدی شیرازی: ۱۵ غزل.	قطران: ۱ ترکیب‌بند، ۱ قصیده، ۲ قطعه.
سنایی: ۴ قصیده، ۴ غزل.	کمال‌الدین اسماعیل: ۶ قصیده، ۱۴ قطعه، ۱۱ غزل.
سوزنی: ۱۷ قصیده، ۵ غزل، ۱۲ رباعی.	مجیر بیلقانی: ۳ قصیده، ۵ غزل.
سیف‌الدین سپرنگنی: ۸ غزل، ۱ رباعی.	مسعود سعد سلمان: ۲ قصیده، ۱ قطعه، ۵ غزل.
شرف‌الدین شفروه‌ای: ۱ قصیده.	منجیک ترمذی: ۱ (یا ۲) قطعه.
شمس‌المعالی قابوس: ۱ (یا ۲) قطعه.	منوچهری دامغانی: ۱ قصیده، ۱ مسمط.
شمس طبسی: ۱ قصیده، ۲ رباعی.	جلال‌الدین مولوی رومی: ۱۶ غزل.
ضیاء‌الدین فارسی: ۱ قطعه، ۷ غزل، ۱ رباعی.	ناصر خسرو: ۱۱ قصیده، ۳ قطعه.
عبدالواسع جبلی: ۱ قصیده.	نصرالله منشی: ۱ قصیده. <sup>۴</sup>
عثمان مختاری: ۳ قصیده.	نظامی گنجوی: ۴ غزل.
عسجدی: ۱ قطعه.	همام تبریزی: ۲۹ غزل.
عطار نیشابوری: ۱ قصیده، ۱۳ غزل، ۱ رباعی.	

۳. برای آشنایی بیشتر ر. ک: دیوان عمید لویکی به کوشش نذیر احمد.

۴. در خصوص دلایل صحت انتساب این قصیده به نصرالله منشی ر. ک: «قصیده‌ای از ابوالمعالی نصرالله منشی»، صص ۱۱۶-۱۲۴، به قلم نگارنده.

۱. برای آشنایی بیشتر ر. ک: دانشنامه ادب فارسی، ج ۳، ص ۳۷۷-۳۷۹.

۲. برای آشنایی بیشتر ر. ک: سفینه شمس حاجی، صص ۵۶۵-۵۶۸.

## ۲. ۱. ۲. شاعران کمتر شناخته شده و ناشناخته

## ۱. ابوالفتوح

محمد بن یغمور در سفینه ترمذ ۵ غزل تحت عنوان «ابوالفتوح استاد اصحاب الغنا» بلافاصله بعد از این بیت انوری آورده است:

دلم از شعر انوری بگرفت ای پسر قول بوالفتوح بیار<sup>۱</sup>  
 از این سراینده اطلاعاتی در دست نیست، تنها در لباب‌الالباب در بیتی از  
 مجدالدین عیوق (از شعرای دوره سلطان سنجر) ذکری از «بوالفتوح» نامی رفته  
 که احتمال دارد با این ابوالفتوح یکی باشد. بیت این است:  
 نه چنگ بر کنار و بده باده بی‌شمار طرفی بگوی زار ز گفتار بوالفتوح<sup>۲</sup>  
 و همچنین در جایی دیگر از سفینه ترمذ در ضمن اشعار برهان‌الدین سمرقندی  
 این بیت آمده:

باز نشاط روح را نوبت پنج‌گانه زن قول ابوالفتوح را ضرب چهارخانه زن<sup>۳</sup>  
 که نشان‌دهنده دوره زندگی این شاعر در سده ۵-۶ق و شهرت وی در موسیقی است.

## ۲. اثیرالدین؟

در سفینه ترمذ یک قطعه تحت عنوان «اثیرالدین» نامی ذکر شده که در جواب  
 جلال‌الدین فنونی آمده است.<sup>۴</sup> این قطعه در دیوان اثیر/احسیکتی و دیوان اثیر  
 اومانی نیست. احتمال دارد که صاحب این قطعه یکی از این دو اثیر یا اثیرالدین  
 فتوحی و یا اثیرالدین دیگری باشد.

۱. سفینه ترمذ، ص ۳۸۰.

۲. لباب‌الالباب، ج ۲، ص ۳۵۴.

۳. سفینه ترمذ، ص ۴۲۵.

۴. همان، ص ۳۰۳.

## ۳. اثیرالدین فتوحی (زنده تا ۵۶۰ق)

وی همان کسی است که در قطعه‌ای مردم بلخ را هجو کرده و هجویه را به نام انوری شهرت داده است، او و انوری پیوسته به هجو یکدیگر می‌پرداخته‌اند.<sup>۱</sup> در سفینه ترمذ یک قطعه از وی تحت عنوان «فتوحی» در جواب ادیب صابر وجود دارد، و البته غزلهایی از وی نیز تحت عنوان «اثیرالدین فتوحی» در سفینه ترمذ بوده که متأسفانه اوراق آن، از متن افتاده است.<sup>۲</sup>

## ۴. سعدالدین اسعد بن شهاب بخاری

شرح احوال وی در لباب‌الالباب آمده و عوفی گفته است در اواخر عمر «دست از تمتع و تنعم دنیوی برداشت و پای در دامن قناعت کشید ... او را ابیات و اشعار سخت مطبوع است در جد».<sup>۳</sup> در سفینه ترمذ از وی دو رباعی تحت عنوان «اسعد شهاب» آمده است.<sup>۴</sup>

## ۵. افضل‌الدین

در سفینه ترمذ یک رباعی تحت عنوان «افضل‌الدین» نامی آمده که مشخص نیست کیست، ولی از آنجا که این رباعی در خطاب به اشرفی سمرقندی است، معلوم می‌شود که این سراینده در سده ۶ ق می‌زیسته،<sup>۵</sup> البته نام این فرد در دیوان اشرفی سمرقندی نیامده است.

## ۶. شیخ اوحد طالقانی

مشخص نیست که این سراینده کیست، در سفینه ترمذ از وی سه رباعی در مدح حضرت محمد(ص) آمده است.<sup>۶</sup>

۱. ← دیوان انوری، ج ۲، ص ۸۳ ۲. سفینه ترمذ، صص ۳۸۲، ۳۰۶ ۳. لباب‌الالباب، ج ۱، ص ۱۹۱

۴. سفینه ترمذ، ص ۴۸۵، ۴۹۰ ۵. همان، ص ۳۸۲ ۶. همان، ص ۴۷۵

## ۷. برهان‌الاسلام

احتمالاً او همان کسی است که به گفته عوفی، به محض ورود شهابی غزال خجندی به بخارا این قطعه را در حش گفته است:

«شعرا را ستوده حالی بود که از آن بود در دلم حسدی  
چون شهابی رسید باز از مرو شعرا را رسید چشم بدی»<sup>۱</sup>  
بر اساس گفته عوفی، این برهان‌الاسلام در سده ۶ ق زنده بوده است.<sup>۲</sup> در سفینه  
کهن رباعیات (محفوظ در کتابخانه مرعشی)، ۹ رباعی<sup>۳</sup> و در جنگ لالا اسماعیل  
یک رباعی از وی آمده است.<sup>۴</sup> در سفینه ترمذ از وی دو رباعی ذکر شده است.<sup>۵</sup>

## ۸. برهان‌الدین سمرقندی

اطلاع زیادی از این شاعر در دست نیست. شاید وی همان پدر امیر معزی باشد، ولی از آنجا که پدر امیر معزی، برهانی تخلص داشته، و در سفینه ترمذ اشعار مورد نظر تحت عنوان «برهان‌الدین سمرقندی» آمده، این احتمال قوی به نظر نمی‌رسد. از این شاعر در جنگ بیاض و مجموعه لطافت و سفینه ظرافت اشعار دیگری ذکر شده است.<sup>۶</sup> محمد بن یغمور ۵ غزل از وی در سفینه خود آورده است.<sup>۷</sup>

## ۹. بهاء‌الدین بلخی

مشخص نیست که این سراینده کیست، در سفینه ترمذ از وی سه رباعی در مضمون هجو و هزل آمده است.<sup>۸</sup>

۱. لباب‌الالباب، ج ۲، صص ۳۹۲-۳۹۳. همان. ۲. همان. ۳. سفینه کهن رباعیات، صص ۴۹، ۱۵۹، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۵۰، ۲۶۵، ۲۷۰. ۴. جنگ لالا اسماعیل، برگ ۲۰۱. ۵. سفینه ترمذ، صص ۴۸۲، ۴۹۰. ۶. جنگ بیاض، صص ۲۸-۳۱، ۸۵-۸۷؛ مجموعه لطافت و سفینه ظرافت، برگهای ۲۰۷، ۲۱۴. ۷. سفینه ترمذ، صص ۴۲۴-۴۲۶. ۸. همان، صص ۴۹۷، ۴۹۸.

## ۱۰. بهاء‌الدین مرغینانی

عظامک جوینی با این سراینده دیدار داشته و در تاریخ خود مختصری درباره وی نوشته است، طبق گفته عظامک، بهاء‌الدین از سوی پدر از خاندان شیخ‌الاسلام فرغانه بوده و نسب مادری‌اش به طغان خان از حاکمان ماوراءالنهر می‌رسیده است. وی بر اثر فضل و دانش به جای ممدوح خود حبش عمید، به وزارت ییسو بن جغتای بن چنگیز می‌رسد، ولی هنگامی که به سال ۶۴۹ق، حبش عمید مجدداً صاحب نفوذ و قدرت می‌شود، گرفتار کینه او شده و به فرمان حبش او را آنقدر در میان نمد می‌مالند تا اعضا و اجزای بدنش ریزیز می‌شود.<sup>۱</sup>

در سفینه ترمذ یک قصیده از وی آمده که در آن حبش عمید را مدح کرده است.<sup>۲</sup> همچنین اشعار دیگری نیز از وی در جنگ بیاض<sup>۳</sup> و جنگ ۵۳ د دانشکده ادبیات دانشگاه تهران<sup>۴</sup> و برخی جنگهای دیگر ذکر شده است.

## ۱۱. پسر طلحه

او شاید پسر شهاب‌الدین ابوالحسن طلحه باشد که ذکرش در لباب‌الالباب آمده.<sup>۵</sup> از وی در سفینه ترمذ دو رباعی در زیر عنوان «پسر طلحه» ذکر شده است.<sup>۶</sup>

## ۱۲. تاج‌الدین خطیب جاجرمی

اطلاعی از وی در دست نیست. تنها در دو جنگ ۵۳ د و جنگ ۲۴۴۶ (محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) این رباعی از وی تحت عنوان «تاج‌الدین جاجرمی»، ذکر شده:

۱. تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۱، صص ۳۱۴-۳۱۶. ۲. سفینه ترمذ، ص ۲۱۴.  
 ۳. محفوظ در کتابخانه مرعشی به شماره ۱۰۵۲۶، صص ۲۰۲، ۲۰۶ (← سفینه و بیاض و جنگ، ص ۲۲۲).  
 ۴. جنگ ۵۳ د، ص ۴۸. ۵. لباب‌الالباب، ج ۲، صص ۱۵۳-۱۵۶. ۶. سفینه ترمذ، ص ۴۹۳.



می‌آمد و زلف را مجعد کرده و آن حسن که داشته یکی صد کرده در راه ز کشتگان چشم خوش خویش در هر گامی هزار مشهد کرده<sup>۱</sup> در سفینه ترمذ از وی یک قصیده آمده،<sup>۲</sup> که احتمالاً در آن ابوالقاسم عزالدین مرتضی یحیی بن ابی‌الفضل محمد شریف المرتضی کبیر (م ۵۹۲ق) را مدح کرده و بر همین اساس احتمالاً این سراینده در نیمه دوم قرن ۷ق زنده بوده است.

### ۱۳. جلال‌الدین فنونی

مشخص نیست که این سراینده کیست، در سفینه ترمذ یک قطعه از اشعار وی آمده است.<sup>۴</sup>

### ۱۴. جمال‌الدین شائقی

مشخص نیست که این سراینده کیست، در سفینه ترمذ از وی یک رباعی آمده است.<sup>۵</sup>

### ۱۵. جمال‌الدین ابوالفضل بن محمد قرشی (زنده تا ۷۰۲ق)

وی از نویسندگان و شعرای مشهور سده ۷ق در کاشغر و آسیای مرکزی است. از آثارش کتاب *صراح اللغة یا الصراح من الصحاح* را می‌توان نام برد که تلخیص و ترجمه فارسی *صراح اللغة* جوهری است. وی این کتاب را در ۶۸۱ق تألیف کرده، و ذیلی به عربی به نام *ملحقات الصراح*، بر آن نوشته که مطالب مهم تاریخی و دیده‌ها و شنیده‌های او به شیوه سفرنامه در آن وارد شده است.<sup>۶</sup> در سفینه ترمذ از وی، یک قطعه در مضمون لغز آمده است.<sup>۷</sup>

۱. جنگ ۵۳ د، ص ۷۸؛ جنگ ۲۴۴۶، برگ ۱  
 ۲. سفینه ترمذ، ص ۲۳۴  
 ۳. درباره وی ر. ک: دیوان اثیر اومانی، ص ۶۴؛ دیوان کمال‌الدین اسماعیل، ص ۴۷؛ تاریخ طبرستان و ...، صص ۱۱۵، ۱۱۹؛ تجارب السلف (چاپ اقبال)، ص ۳۳۳؛ دیوان قوامی رازی، ص ۲۱۲.  
 ۴. سفینه ترمذ، ص ۳۰۳.  
 ۵. همان، ص ۴۸۰.  
 ۶. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۰، ص ۶۵۴؛ «جمال‌الدین قرشی و سفرنامه او در وراود عهد مغول»، صص ۱۴-۱۹.  
 ۷. سفینه ترمذ، ص ۳۱۶.

## ۱۶. جمال‌الدین محمد بن محمد، جمالی عروضی سمرقندی

از این شاعر اطلاع چندانی در دست نیست. او از معاصران سوزنی سمرقندی بوده و در قصیدهٔ مصنوع خود، شخصی تحت عنوان تاج‌الدین مطهر بن طاهر آل علك را ستوده است.<sup>۱</sup> در سفینهٔ ترمذ قصیدهٔ مصنوع وی به همراه مقدمه‌اش وارد شده است.<sup>۲</sup>

## ۱۷. حسام‌الدین نبیره

مشخص نیست که این سراینده کیست. تنها تعداد اندکی از اشعارش در سفینهٔ کهن رباعیات (محفوظ در کتابخانهٔ مرعشی)؛ جنگ بیاض و سفینهٔ لطافت و مجموعهٔ ظرافت ذکر شده است.<sup>۳</sup>

محمد بن یغمور در سفینهٔ ترمذ از وی ۵ غزل وارد کرده است.<sup>۴</sup>

## ۱۸. حکیم جبایی

مشخص نیست که این سراینده کیست. در سفینهٔ ترمذ از وی یک رباعی ذکر شده است.<sup>۵</sup>

## ۱۹. حمیدالدین

در سفینهٔ ترمذ یک رباعی تحت عنوان «حمیدالدین» نامی آمده که مشخص نیست چه کسی است.<sup>۶</sup>

## ۲۰. حمید سیمکش

مشخص نیست که این سراینده کیست. دکتر محمدامین ریاحی بدون ذکر

۱. برای اطلاع بیشتر دربارهٔ این شاعر ر. ک: «معرفی و تصحیح اشعار جمالی سمرقندی»، به قلم نگارنده؛

سرو رشید (یادنامهٔ استاد رشید یاسمی)، صص ۴۶۱-۴۷۷.

۲. سفینهٔ ترمذ، صص ۲۲۱-۲۳۰.

۳. سفینهٔ کهن رباعیات، صص ۵۲، ۱۲۱، ۱۲۲، ۲۱۳؛ جنگ بیاض، صص ۳۱-۳۲؛ مجموعهٔ لطافت و سفینهٔ

ظرافت، برگ ۶. ۴. سفینهٔ ترمذ، ص ۳۹۵. ۵. همان، ص ۴۷۲. ۶. همان، ص ۴۹۳.

دلیلی متقن او را با نجم‌الدین حمد سیمگر که با خاقانی مشاعره داشته یکی دانسته<sup>۱</sup> که درست نیست. از این شاعر در *تاریخنامه هرات* یازده بیت (تحت عنوان «حمید سیمکش») ذکر شده که پنج بیت آن در قالب مثنوی است<sup>۲</sup> و شاید این شاعر اثری نیز در قالب مثنوی داشته است. از آنجا که *تاریخنامه هرات* در تاریخ ۷۲۱ق تألیف شده، پس این شاعر پیش از این تاریخ می‌زیسته است. از وی در *سفینه ترمذ* یک رباعی آمده است.<sup>۳</sup>

### ۲۱. دهقان علی شطرنجی

شرح احوال کوتاهی از وی به همراه نمونه‌هایی از اشعارش در *لباب‌الالباب* در فصل شعرای آل سلجوق آمده و گفته شده که وی در ماوراءالنهر ساکن بوده و بیشتر اشعارش را در قالب قطعه می‌سروده است.<sup>۴</sup> همچنین نظامی سمرقندی او را در زمره شاعران آل خاقان معرفی کرده<sup>۵</sup> و سوزنی نیز او را در اشعارش یک بار هجو کرده است.<sup>۶</sup> در *سفینه ترمذ* ۴ قطعه از اشعار وی ذکر شده است.<sup>۷</sup>

### ۲۲. ابوالمکارم لطیف‌الدین عمر، مشهور به زکی کاشغری مراغه‌ای

شرح احوال کوتاهی از وی به همراه نمونه اشعارش در *لباب‌الالباب* آمده است که اطلاع چندانی از زندگی وی به دست نمی‌دهد<sup>۸</sup>، اما سید علی میرافضلی تحقیق خوب و جامعی در مورد وی و اشعارش انجام داده که بر اساس آن، زکی تا ۶۰۷ق زنده بوده است.<sup>۹</sup> در *سفینه ترمذ* ۲۳ رباعی از وی تحت عنوان «زکی کاشغری» و یک رباعی تحت عنوان «زکی مراغه‌ای» آمده است.<sup>۱۰</sup>

۱. *نزهة المجالس*، صص ۱۳۱ و ۱۴۵.
۲. *تاریخنامه هرات*، صص ۸۹، ۲۴۹، ۲۵۰، ۳۶۳.
۳. *سفینه ترمذ*، ص ۴۹۰.
۴. *لباب‌الالباب*، ج ۲، ص ۱۹۹.
۵. *چهار مقاله*، ص ۴۶.
۶. *دیوان سوزنی*، ص ۴۱۲.
۷. *سفینه ترمذ*، صص ۲۹۴، ۳۰۹، ۳۴۶.
۸. *لباب‌الالباب*، ج ۲، صص ۳۷۱-۳۷۷.
۹. ر. ک: «روایتی اصیل از دیوان زکی مراغه‌ای، شاعر».
۱۰. *سفینه ترمذ*، صص ۴۷۴، ۴۷۷، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۱.
- سده ششم هجری، صص ۱۹۵-۲۰۴.

## ۲۳. سدیدالدین اعور

عظاملک جوینی در تاریخ خود مختصری درباره وی نوشته است. طبق گفته وی، عظاملک به سال ۶۴۹ق، که حبش عمید به وزارت جغتای رسیده او را در قصیده‌ای ستوده و تخلص به نام او کرده است.<sup>۱</sup> قسمتی از اشعار و مقامه‌های او در انتهای جنگ ۵۱۳ سنه آمده که شادروانان مینوی و افشار آن را بازخوانی و به همراه تصاویر آن به چاپ رسانده‌اند.<sup>۲</sup> در سفینه ترمذ ۲ رباعی از وی که در مشاعره با سید اخسیکتی است، ذکر شده است، بر اساس این رباعیات وی اعور و گل بوده است.<sup>۳</sup>

## ۲۴. سعدالدین شرف‌الحکما، سعد کافی بخاری

شرح احوال کوتاهی از وی به همراه نمونه اشعارش در لباب‌الالباب آمده که بر اساس آن، وی از متعلقان و شاق‌باشی طغرل سلجوقی (حک ۵۷۳-۵۹۰ق) بوده است.<sup>۴</sup> در سفینه ترمذ یکی از قصاید وی (همان قصیده که در لباب‌الالباب هم آمده) ذکر شده است.<sup>۵</sup>

## ۲۵. سعد رضی

مشخص نیست که این سراینده کیست، ولی از آنجا که سعد نجار اوشی (← سطور آینده) در جواب وی یک رباعی دارد، معلوم می‌شود که سعد نجار همدوره وی بوده است. در سفینه ترمذ از وی یک رباعی ذکر شده است.<sup>۶</sup>

## ۲۶. سعید مابی

مشخص نیست که این سراینده کیست، در سفینه ترمذ از وی یک قطعه آمده است.<sup>۷</sup>

۲. «سدیدالدین اعور»، صص ۶۷۳-۶۹۶.

۱. تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۱، ص ۲۲۸.

۳. سفینه ترمذ، ص ۴۹۶. ۴. لباب‌الالباب، ج ۲، صص ۳۷۸-۳۸۳، ۳۸۶-۳۸۷. ۵. سفینه ترمذ، ص ۱۸۳.

۶. همان، ص ۴۸۲. ۷. همان، ص ۳۱۱.

## ۲۷. سعد نجار اوشی

در *لباب‌الالباب*، شرح احوال کوتاه و نمونه شعری شخصی تحت عنوان سعدالدین اسعد نجاری سمرقندی ذکر شده و گفته شده: «اکثر نظم او رباعیات است و در آن شیوه شهرتی دارد و در آن فن مهارتی و آن طریق عالی است و از وی شعر و قطعه کم روایت کرده‌اند».<sup>۱</sup> در *سفینه ترمذ* یک قطعه در مضمون لغز و ۳ رباعی از اشعار وی آمده است.<sup>۲</sup>

## ۲۸. سعید وراق

مشخص نیست که این سراینده کیست، واژه «وراق» نیز در متن *سفینه ترمذ* مخدوش است و با زحمت و تردید خوانده می‌شود. در بخش *مقدمین عرفات‌العاشقین*، شاعری تحت عنوان «سعد وراق» نام و نمونه اشعارش ذکر شده، که احتمال دارد با در نظر گرفتن تصحیفات و اختلاف نسخ، با این سعید وراق یکی باشد.<sup>۳</sup> در *سفینه ترمذ* از وی یک رباعی آمده است.<sup>۴</sup>

## ۲۹. سعیدالدین المتطبیب السمرقندی

اطلاعی از وی در دست نیست. تنها در *سفینه ترمذ* از وی یک قصیده آمده است. بر اساس این قصیده وی مدتی در نسف بوده و ممدوح وی نصرت‌الدین محمود نام داشته است.<sup>۵</sup>

## ۳۰. سید اخیسکتی

از او اطلاعی در دست نیست. ولی از آنجا که وی با سدیدالدین اعور مشاعره داشته و سدید همانطور که ذکر شد، به سال ۶۴۹ق، زنده بوده است معلوم می‌شود که او نیز در نیمه نخست قرن هفتم زنده بوده است.<sup>۶</sup>

۲. *سفینه ترمذ*، صص ۳۱۱، ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۸۴.

۱. *لباب‌الالباب*، ج ۲، صص ۳۸۲-۳۸۳.

۴. *سفینه ترمذ*، ص ۴۹۴.

۳. *عرفات‌العاشقین*، ج ۳، ص ۱۷۴۹.

۵. همان، ص ۱۶۴.

۶. *تاریخ جهانگشای جوینی*، ج ۱، ص ۲۲۸.

او را به اشتباه همان اثیرالدین اخیسکتی دانسته‌اند.<sup>۱</sup> زیرا اثیر اخیسکتی به سال ۵۹۲ق درگذشته و نام سید اخیسکتی، هم در سفینه ترمذ، و هم در جنگ ۵۱۳ سنه به صورت «سید اخیسکتی» ذکر شده و در هیچ منبعی و در دیوان اثیر اخیسکتی، به سیادت اثیر اخیسکتی اشاره نشده است. در سفینه ترمذ ۵ رباعی از اشعار وی ذکر شده، که دو رباعی در مشاعره با سدید اعور است.<sup>۲</sup>

### ۳۱. شاه کر / گر سمرقندی

در صورتی که ضبط «کر» را در نظر بگیریم، احتمال دارد او همان اشرفی سمرقندی (مشهور به اشرفی کر و اشرفی اصم) باشد.<sup>۳</sup> این ادعا با آمدن رباعی دیگری که در سفینه ترمذ بلافاصله بعد از این رباعی تحت عنوان «افضل الدین گوید در حق اشرفی کر» آمده تا حدی تقویت می‌شود، ولی در هیچ منبعی اشرفی را تحت عنوان شاه کر یاد نکرده‌اند. در سفینه ترمذ از وی یک رباعی ذکر شده است.<sup>۴</sup>

### ۳۲. شرف الدین ختلی

مشخص نیست که این سراینده کیست، در سفینه ترمذ یک قصیده و دو رباعی از اشعار وی آمده است.<sup>۵</sup>

### ۳۳. شرف الدین حسام، محمد بن ابی بکر نسفی

عوفی می‌گوید که با وی در سمرقند دیدار داشته و چون عوفی در ۵۹۷ق به سمرقند رفته، پس باید در این تاریخ وی را دیده باشد. وی بامداد هر آدینه در منزلش مجالس تذکیر داشته و عوفی در این مجالس حضور یافته است.<sup>۶</sup> شرف الدین حسام قصیده مشهوری با ردیف «نشکند» دارد که به گفته عوفی

۱. دیوان اثیر اخیسکتی، ص هشتاد و دو؛ «سدیدالدین اعور»، صص ۶۷۳-۶۷۴. ۲. سفینه ترمذ، صص ۴۸۰، ۴۸۸، ۴۹۶.

۳. ر. ک: دیوان اشرفی سمرقندی، مقدمه. ۴. سفینه ترمذ، ص ۴۸۷. ۵. همان، صص ۲۴۵، ۴۹۱.

۶. لباب‌الالباب، ج ۱، صص ۱۶۴-۱۶۵.

بسیار مشهور بوده و در زمانی که وی در ری با خاقانی ملاقات کرده، خاقانی درباره اش گفته است:

یا لیت که تمامی دیوان من تراستی و آن یک قصیده تو مرا چه با آنکه اکثر عمر  
ما بدین منوال مصروف است و فنّ و شیوه ما این، چندانکه خواستیم تا یک بیت  
بدین منوال بیاریم خاطر ما مسامحت نکرد...<sup>۱</sup>

در سفینه ترمذ همان قصیده مشهور ذکر شده است.<sup>۲</sup>

### ۳۴. شمس الدین محمد بن مؤید حدادی معروف به شمس خاله

شرح احوال کوتاهی از وی در لباب‌الالباب آمده، عوفی گفته در زمانی که به ماوراء  
النهر سفر کرده، وی در آنجا حضور نداشته است.<sup>۳</sup> شمس با ضیاء خجندی و  
سیف‌الدین اسپرنگنی مشاعره داشته و حکمرانان ماوراءالنهر همچون آل افراسیاب و  
بیغوملکها را ستوده است.<sup>۴</sup> در سفینه ترمذ از وی یک قطعه در مضمون لغز آمده است.<sup>۵</sup>

### ۳۵. شمس المعالی

در سفینه ترمذ یک قطعه، زیر عنوان «شمس المعالی» آمده<sup>۶</sup> که شاید صاحب آن  
همان شمس المعالی قابوس باشد، زیرا در این سفینه از شمس المعالی قابوس هم  
یک قطعه در مضمون لغز ذکر شده است.<sup>۷</sup>

### ۳۶. شهاب‌الدین احمد بن مؤید نسفی سمرقندی

اطلاع زیادی از احوال وی وجود ندارد. تنها مشخص است که از شاعران اواخر  
سده ۶ق و مداح ابوالمظفر رکن‌الدین قلج طمغاج خان مسعود، از حکمرانان  
ماوراءالنهر بوده است.<sup>۸</sup> عوفی در خصوص وی می‌گوید: «لطایف اشعار او به

۱. همان، ج ۱، صص ۱۶۸ - ۱۶۹. ۲. سفینه ترمذ، ص ۱۳۲. ۳. لباب‌الالباب، ج ۲، صص ۳۸۲ و ۳۸۳.

۴. برای آشنایی بیشتر ر. ک: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۸۲۴؛ «شمس‌الدین خاله و شهاب‌الدین خاله».

صص ۲۷ - ۴۰. ۵. سفینه ترمذ، ص ۳۱۰. ۶. همان، ص ۳۱۲.

۷. همان، ص ۳۱۹. ۸. لباب‌الالباب، ج ۲، ص ۳۶۲.

حسن صنعت و لطف عذوبت موسوم است.<sup>۱</sup> در سفینه ترمذ ۲ قصیده، ۳ قطعه و ۱ رباعی از اشعار وی آمده<sup>۲</sup> که قطعات وی در جواب و هجو انوری و سوزنی سروده شده‌اند و نشان می‌دهد که وی با آنها ارتباط و مشاعره داشته است.<sup>۳</sup>

### ۳۷. صدرالشریعة:

مشخص نیست که این سراینده چه کسی است. از وی یک رباعی تحت عنوان «صدرالشریعة» در نزهةالمجالس<sup>۴</sup> و یک مستزاد تحت عنوان «امام صدرالشریعه» در مجموعه لطافت و سفینه ظرافت آمده است.<sup>۵</sup> در سفینه ترمذ سه رباعی از اشعار وی ذکر شده است.<sup>۶</sup>

### ۳۸. ضیاءالدین عبدالرافع بن ابی‌الفتح هروی

به گفته عوفی وی «در علم طبّ مهارت کامل داشته و در فن لغت بشارتی شامل» و در خدمت خسروملک غزنوی (حک ۵۵۹-۵۸۳ق) بوده و یکی از آثار خود را تحت عنوان رساله جلالیه به نام او به نظم درآورده است. همچنین عوفی می‌گوید عبدالرافع تحت حمایت معزالدین محمد بن سام غوری (م ۶۰۲ق) بوده و اشعاری را در ثنای وی سروده است.<sup>۷</sup> در سفینه ترمذ یک قصیده از وی آمده که نام ممدوح در آن ذکر نشده است.<sup>۸</sup>

۱. همان. ۲. سفینه ترمذ، صص ۳۱، ۱۳۴، ۳۲۶، ۳۴۶، ۴۸۵. ۳. انوری نیز با وی مشاعره داشته (ر. ک: دیوان انوری، ج ۲، ص ۵۷۸) و سوزنی وی را هجو کرده است (ر. ک: دیوان سوزنی، صص ۴۴۱، ۴۴۹).  
 ۴. نزهةالمجالس، صص ۱۰۷، ۵۲۸؛ محمدامین ریاحی بدون ذکر دلیلی متقن، گفته که وی استاد عوفی، تاج الدین عمر بن مسعود بخاری است. در لباب‌الالباب ذکر شده که عوفی با صدرالشریعه نامی در محفلی به همراه سعدالدین دولتیار، شرکت داشته است (ر. ک: لباب‌الالباب، صص ۲۸۷-۳۸۸).  
 ۵. مجموعه لطافت و سفینه ظرافت، ص ۷۲۸.  
 ۶. سفینه ترمذ، ص ۴۸۱.  
 ۷. لباب‌الالباب، ج ۲، ص ۳۲۷.  
 ۸. سفینه ترمذ، ص ۱۴۸.



## ۳۹. خواجه عبده

شاید او همان محمد بن عبده الکاتب باشد که به گفته نظامی عروضی از نویسندگان بزرگ اواخر سده ۴ و اوایل سده ۵ق بوده و در شاعری هم مهارت داشته است.<sup>۱</sup> همچنین بر اساس داستانی که در *دستورالکاتب* ذکر شده او از دبیران بغراخان و از معاصران سلطان محمود غزنوی بوده است.<sup>۲</sup> در *سفینه ترمذ*، یک رباعی از وی آمده است.<sup>۳</sup>

## ۴۰. عزالدین شروانی

از این سراینده اطلاع زیادی در دست نیست. او از معاصران و معاشران خاقانی، فلکی و سید ذوالفقار شروانی بوده است.<sup>۴</sup> از وی *دیوان* شعری برجای نمانده ولی تعداد اندکی از اشعارش در برخی از جنگها و تذکرها یافت می شود.<sup>۵</sup> در *سفینه ترمذ* ۲ قصیده، ۸ غزل از اشعار وی ذکر شده است.<sup>۶</sup>

## ۴۱. علاءالدین زرگر

مشخص نیست که این سراینده کیست. در *سفینه ترمذ* یک قطعه از اشعار وی آمده است.<sup>۷</sup>

## ۴۲. علاءالدین شاه

مشخص نیست که این سراینده کیست. در *نزهةالمجالس* یک رباعی تحت عنوان ملک علاءالدین آمده که شاید با این سراینده یکی باشد.<sup>۸</sup> در *سفینه ترمذ* یک رباعی تحت عنوان «علاءالدین شاه» آمده است.<sup>۹</sup>

۱. چهارمقاله، ص ۲۲. ۲. دستورالکاتب فی تعیین مراتب، ج ۱، ص ۶۸.

۳. سفینه ترمذ، ص ۴۹۰. ۴. ر. ک: سفینه شمس حاجی، ص ۷۶-۷۸؛ عرفات العاشقین، ج ۵، ص ۲۶۱۰.

۵. خوشبختانه بسیاری از این اشعار را میلاد عظیمی تصحیح و به چاپ رسانده اند (ر. ک: سفینه شمس حاجی،

صص ۵۹۴-۶۰۶). ۶. سفینه ترمذ، صص ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۷. ۷. همان، ص ۳۱۰.

۸. نزهةالمجالس، ص ۴۸۴. ۹. سفینه ترمذ، ص ۴۸۷.